



تذکرہ مقالات الشعراء

مؤلف

قیام الدین حیرت کسب آبادی

(۱۱۶۳-۱۱۷۴ھ قمری)

تحقیق

علیرضا قمری

تذکره مقالات الشعراء

تألیف

قیام‌الدین حیرت اکبرآبادی

(۱۱۴۳ — زنده در ۱۱۷۴ ق)

تحقیق

علی‌رضا قزوہ

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۶



تذکره مقالات الشعرا

تألیف: قیام‌الدین حیرت اکبرآبادی (۱۱۴۳-زنده در ۱۱۷۴ق)

تحقیق: علی‌رضا قزوه

نظارت و تولید: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

صفحه‌آرا: نشرروشن اندیشان

شماره انتشار: ۴۴۳

ناظر فنی: نیکی ایوبی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-277-2

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی: تهران، میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام،
نیش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم، تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.Ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

برنام صورت آرای معانی

احیای تذکره‌های فارسی تألیف‌شده در شبه قاره، از چند جهت، اهمیت دارد: ۱. بررسی تاریخ زبان فارسی در شبه قاره. ۲. آگاهی از مسائل و مباحث ادبی و فرهنگی مربوط به زبان فارسی (سبک‌شناسی، نقد ادبی، زبان‌شناسی و ...). ۳. شناخت سرایندگان و رجال فرهنگی که خود اهل شبه قاره بودند، و یا ایرانی مهاجر به این گستره کهن و فراخ زبان فارسی که سال‌ها در آنجا زیستند، قلم زدند و همانجا درگذشتند. ۴. اطلاع بر وقایع و رویدادهای تاریخی، که از آن میان، اخبار مربوط به ایران، و یا رابطه ایران با شبه قاره، حائز اهمیت است.

با توجه به موارد مذکور، مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تصحیح و احیای تذکره‌های فارسی تألیف‌شده در شبه قاره را وجهه همت خود قرار داد و به انتشار تذکره‌هایی چند توفیق یافت که عبارتند از: سفینه خوشگو، کلمات الشعراء، تذکره مردم‌دیده، تذکره بی‌نظیر، تذکره خزانه عامره و تذکره نفایس المآثر.

انتشار تذکره مقالات الشعراء نیز در همین راستا صورت گرفته است و امیدواریم در آینده نیز بتوانیم به احیای تذکره‌های دیگر توفیق یابیم.

از جناب آقای دکتر علیرضا قزوه که به احیا و بازخوانی چند تذکره مهم تألیف‌شده در شبه قاره، از جمله همین تذکره مقالات الشعراء اهتمام ورزیده‌اند، سپاسگزاریم.

سیدعلی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

۱۴..... راجه دیا مل امتیاز..... ۱۵..... میرزا ارجمند آزاد..... ۱۷..... • حرف الباء..... ۱۷..... میرزا مهدی بیان..... ۱۷..... میرزا محمد شفیع بسمل..... ۱۸..... شاه خلیل الله بینوا..... ۱۸..... میرزا بدیع..... ۱۹..... آقا صالح برهان..... ۱۹..... محمد باقر بیگ..... ۲۰..... میر شرف الدین پیام..... ۲۱..... خواجه احسن الدین خان بیان..... ۲۳..... • حرف التاء..... ۲۳..... میرزا محمد تقی تعظیم..... ۲۳..... رحمت الله تمکین..... ۲۴..... سید رضا تمکین.....	مقدمه مصحح..... سیزده دیباجه..... ۱ • حرف الالف..... ۵ سراج الدین علی خان آرزو..... ۵ میرزا اسمعیل ایما:..... ۸ احمد علی خان ایمن..... ۸ امیر حسنی..... ۸ میرزا محمد امین ازل..... ۸ معز خان افسر..... ۹ نظام الملک آصفجاه..... ۹ قرلباش خان امید..... ۹ نواب امیر خان انجام..... ۱۲ اسد یار خان انسان..... ۱۲ اسحاق خان اسحاق تخلص..... ۱۳ شاه فقیر الله آفرین..... ۱۳ محمد صلاح بیگ آگاه..... ۱۴
---	--

● حرف الثاء..... ۲۵	خوشر..... ۵۱
محمد افضل ثابت..... ۲۵	
● حرف الدال..... ۵۳	محمد عظیم ثبات..... ۲۶
میرزا هاشم دل..... ۵۳	آیت الله ثنا..... ۲۶
محمدجان دیوانه..... ۵۳	راجہ جگل کشور ثروت..... ۲۷
محمد فقیہ دردمند..... ۵۴	
● حرف الجیم..... ۲۹	خواجه میردرد..... ۵۵
میر محمد جعفر..... ۲۹	
● حرف الذال (۳۷ ب)..... ۵۷	میرزا ابوطالب جناب..... ۳۰
میر عبدالله ذره..... ۵۷	ملا ظفر علی جرأت..... ۳۰
● حرف الراء..... ۵۹	● حرف الحاء..... ۳۳
میرزا محمدرضا..... ۵۹	حاجی محمد گیلانی..... ۳۳
میرزا ایزد بخش رسا..... ۵۹	میر محتشم علی خان حشمت..... ۳۴
محمد جعفر راهب..... ۶۰	سید محمد حسرت..... ۳۴
آقا رضا گیلانی..... ۶۱	حکیم بیگ خان حاکم..... ۳۵
فصاحت خان راضی..... ۶۱	شیو رای داس حیا..... ۳۵
محمد رحیم خان..... ۶۲	میرزا امام قلی حشمت..... ۳۷
● حرف السین..... ۶۳	گر بخش حضوری..... ۳۸
ملا ساطع کشمیری..... ۶۳	شمع محفل روشن بیانی شیخ محمد علی حزین..... ۳۸
میرزا لطف الله سالم..... ۶۳	گیلانی..... ۳۸
میر عبدالصمد سخن..... ۶۴	من رباعیات..... ۴۳
عبدالحق سمندر..... ۶۴	جامع الکمالات و الحسنات میان محمد حیات -
سید صلابت خان "سید" تخلص..... ۶۴	سلمه الله تعالی..... ۴۴
خواجه عبدالله ساقی..... ۶۴	● حرف الخاء..... ۴۹
میرزا زاهد علی سخا..... ۶۴	بندرابن خوشگو..... ۴۹
ملا علی اکبر سودا..... ۶۵	محمد مهدی خیام..... ۴۹
محمد احسن سامع..... ۶۵	نواب خان دوران..... ۵۰
خدیجه سلطان بیگم..... ۶۶	نظیر بیگ خادم..... ۵۰

● حرف الشين ٦٧	ميرزا محمد يوسف عزيز ٨١
ميرزا كاظم شرر ٦٧	ميرزا محمد علي عارف ٨٢
حكيم حسين شهرت ٦٧	جى كشن عزت ٨٢
آخوند شاکر طهرانی ٦٨	احمد علي خان عبرت ٨٢
ميرزا صالح شهادت ٦٨	علي عظيم ٨٣
آقا عبدالله شغف ٦٨	خواجه ناصر عندليب ٨٣
مير سيد محمد شعله ٦٩	سنگهم لال عزت ٨٣
محمد علي سكاكى شكيب ٦٩	
معنى ياب خان شاعر ٧٠	● حرف الغين ٨٥
راى تن سكهراى ٧٠	مير عبدالغنى ٨٥
	محمد عاقل غيرت ٨٥
● حرف الصاد ٧٣	
مير عبدالباقي صهبائي ٧٣	● حرف الفاء ٨٧
محمد ماه صادق ٧٣	ميرزا سيد محمد فدائي ٨٧
شاه اله دستگير متخلص به صفى ٧٤	فتح علي خان داغستاني ٨٧
	شاه فاتح ٨٨
● حرف الضاد ٧٥	ميرزا محمد علي فروغ ٨٨
ميرزا روشن ضمير ٧٥	ميرزا فاضل مخاطب به بادشاه نواز خان ٨٨
سيد هدايت علي خان ضمير ٧٥	ميرزا نادر الزمان فصيح ٨٨
	مرتضى قلى فراق ٨٩
● حرف الطاء ٧٧	ميرزا اشرف علي فغان ٨٩
ميرزا عبدالباقي طبيب ٧٧	مير شمس الدين فقير ٨٩
	محمد ثابت فائز ٩١
● حرف العين ٧٩	
سيد مرتضى علم ٧٩	● حرف القاف ٩٣
معمد الملك علوى خان ٧٩	عبدالغنى بيگ قبول ٩٣
مولانا محمد يوسف عارف گازرونى ٨٠	محمد پناه قابل ٩٤
ميرزا مهدى على ٨٠	مشتاق رائى قدرت ٩٤
ملا على على ٨٠	
عباس قلى خان داغستاني: ٨١	● حرف الكاف ٩٥

عصمت اللہ کامل..... ۹۵	• حرف النون..... ۱۱۹
سعد اللہ گلشن..... ۹۵	نعمت اللہ خان..... ۱۱۹
میرزا مہدی کوکب..... ۹۶	نور اللہ بیگ نزہت..... ۱۱۹
میرزا گرامی..... ۹۶	رای بھوکن مل نشاء..... ۱۲۰
	میرزا لطف اللہ نثار..... ۱۲۰
• حرف اللام..... ۹۹	میر زین العابدین نشاء..... ۱۲۰
لطف علی خان..... ۹۹	میرزا زکی ندیم..... ۱۲۱
	محمد علی خان نژاد..... ۱۲۱
• حرف المیم..... ۱۰۱	محمد بیگ نکہت..... ۱۲۱
مہر علی خان مظہر..... ۱۰۱	محمد رضا نائب..... ۱۲۱
میرزا مجید شوستری..... ۱۰۱	میرزا نامجو..... ۱۲۲
عبدالرزاق متین..... ۱۰۲	میر زین العابدین نیر..... ۱۲۲
میر سید علی مشتاق..... ۱۰۲	میر غلام علی نسیم (۷۵ب)..... ۱۲۲
ولی محمد خان مسرور..... ۱۰۳	محمد نعیم نیاز..... ۱۲۲
محمد نظام معجز..... ۱۰۳	
آقا محمد کاشی معاف..... ۱۰۳	• حرف الواو..... ۱۲۵
رباعی..... ۱۰۴	میرزا مبارک اللہ واضع..... ۱۲۶
میمت خان میمنت..... ۱۰۴	محمد معصوم وجدان..... ۱۲۶
آقا عبدالمولی..... ۱۰۴	میرزا ابراہیم وفا..... ۱۲۶
میرزا ہاشم محزون..... ۱۰۵	علی اصغر واضح..... ۱۲۶
میرزا محترم..... ۱۰۵	شرف الدین علی وفا..... ۱۲۶
میرزا محمد منشی..... ۱۰۵	نور العین واقف..... ۱۲۷
رای آنند رام مخلص..... ۱۰۶	علی قلی خان والہ داغستانی..... ۱۲۷
محمد لطف اللہ مفتون..... ۱۱۲	
غزل..... ۱۱۳	• حرف الہاء..... ۱۳۱
میرزا جان جانان مظہر..... ۱۱۳	میرزا ابو علی ہاتف..... ۱۳۱
رباعی..... ۱۱۷	
ایضاً..... ۱۱۸	• حرف الیاء..... ۱۳۳
میر محمد تقی میر تخلّص..... ۱۱۸	احمد یار خان یکتا..... ۱۳۳
رای بجی مل معنی..... ۱۱۸	یحیی خان..... ۱۳۳

۱۴۳.....	نمایه‌ها	۱۳۴.....	محمدحنیف‌خان یار
۱۵۷.....	کتابنامه	۱۳۴.....	محمد اشرف یکتا
		۱۳۵.....	خاتمه
		۱۳۷.....	تصویر نسخه خطی

مقدمهٔ مصحح

تذکرهٔ مقالات الشعراء نوشتهٔ قیام‌الدین حیرت اکبرآبادی، متولد ۱۱۴۳ق است.

اکبرآباد، همان آگره = آگرای هند است که عمارت مشهور تاج محل نیز در نزدیکی آن قرار دارد. آگره یا آگرا سومین شهر بزرگ در ایالت اوتار پرادش در کشور هندوستان است. این شهر در کنار رودخانه یامونا (جمنا) قرار گرفته و از دهلی پایتخت هند، حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد. نام آگره به شکل «آگره‌بانا» نخستین بار در کتاب حماسی *مهابهاراتا* آمده و معنانشناسان آن را «پردیس» یا «بهشت» معرفی کرده‌اند. در قرن‌های ۱۶ یا ۱۷ م، آگره به‌راستی، تمثالی از پردیس در روی زمین شده بود. آگره در زمان حکومت اکبر، جهانگیر و شاه جهان اهمیت زیادی یافت. این شهر، پایتخت حکومت اکبر، پادشاه بزرگ امپراتوری مغولی هند یا گورکانیان بوده و در آن زمان تبدیل به مرکز هنر، فرهنگ، تجارت و یادگیری کشور پهناور هندوستان گردید. از این رو در گذشته، این شهر را اکبرآباد می‌نامیدند.

علاوه بر حیرت که از سرزمین اکبرآباد بود، تنی چند از ادیبان هم روزگارش نیز از دیار آگره (اکبرآباد)‌ند. شاعرانی چون خان آرزو، نظیری اکبرآبادی، پیام اکبرآبادی، صبا اکبرآبادی، ماهر اکبرآبادی و ولی محمد اکبرآبادی از زمرهٔ این شاعران‌اند، اگرچه تمام این نام‌ها در تذکرهٔ حیرت نیامده است و شماری از این شاعران نیز در سال‌های قبل و بعد از

نگارش این تذکره می‌زیسته‌اند، اما نشانگر آن است که اکبرآباد، همواره، یکی از پایگاه‌های جدی ادب و فرهنگ و شعر پارسی بوده است.

از زندگانی شیخ قیام‌الدین، متخلص به حیرت، آگاهی بسیار اندکی بر جای مانده است، وی در ۱۱۴۳ ق / ۱۱۷۳ م به دنیا آمده، و به گفته خود او، زادگاهش اکبرآباد (آگره) است. حیرت، دانش‌های خود را نزد محمد نعیم نیاز (د ۱۱۷۳ ق / ۱۷۵۹ م) و محمد حیات گویاموی آموخت.

از سال درگذشت او آگاهی چندانی در دست نیست. با توجه به این که وی تذکره مقالات الشعرا را در ۱۱۷۴ ق / ۱۷۶۰ م به پایان رسانیده، می‌توان گفت که پس از ۱۱۷۴ ق / ۱۷۶۰ م در گذشته است.

سامی، مؤلف قاموس اعلام ترکی، قیام‌الدین حیرت اکبرآبادی را با میرزا احمد حیرت اصفهانی خلط کرده است و به دنبال وی، این اشتباه به وسیله مدرس، خیام‌پور و آقا بزرگ تهرانی، به کتاب‌های آنان نیز راه یافته است.^۱

تذکره مقالات الشعرا، شرح احوال و نمونه اشعار ۱۵۹ شاعر سرزمین هندوستان را شامل می‌شود که بر اساس حروف الفبا از آرزو (سراج الدین خان آرزو) شروع و به یکتا (محمد اشرف خان یکتای کشمیری) ختم می‌شود.

در تذکره مقالات الشعرای حیرت، ملاک انتخاب شاعران، بیشتر، شاعران همدوره اوست. از این رو، عمده شاعرانی که دوره بعد از اورنگ زیب را درک کرده‌اند، در این تذکره حضور دارند و گاه به نسبت اهمیت شاعرانگی‌شان، صفحات بیشتری از این تذکره را پر کرده‌اند.

حیرت در سرآغاز تذکره مقالات الشعرا، اشاره کرده است که تذکره‌اش را به پیروی از شیوه شاعران و تذکره‌نگاران هم عصرش نگاشته است. بیش از همه در نگارش این تذکره، نگاه حیرت به ریاض الشعرای علی‌قلی خان واله داغستانی و مجمع‌النفایس سراج‌الدین

۱. ر.ک: «اشارات نقد ادبی در تذکره مقالات الشعراء»: نجم‌الرشید، نامه پارسی، سال هشتم شماره اول، بهار ۱۳۸۲،

علی‌خان آرزو معطوف بوده است و نیم‌نگاهی هم به سفینه‌الشوق رای صاحب رای تن سکه رای داشته است. حیرت در آغازین برگ‌های دفتر تذکره خویش، سال تألیف تذکره را نیز سنه ۱۱۷۳ق ذکر می‌کند.

حیرت در *مقالات الشعرا*ی خود، از جامع الکمالات والحسنات، میان محمد حیات - سلمه‌الله تعالی - به عنوان استاد از بدو طفولیت تا حد بلوغ خود نام می‌برد و از عبارت - سلمه‌الله - برمی‌آید که تا زمان نگارش این تذکره در قید حیات بوده است. حیرت در ادامه، شرح حال خویش را بازگو می‌کند. از نکات قابل اشاره حیرت، نام پدرش شیخ امان‌الله است که در زمان نگارش *مقالات الشعرا* پدرش در اکبرآباد روزگار می‌گذرانده است و خودش در شرح حال خویش از سن سی سالگی‌اش در هنگام نگارش این تذکره سخن می‌گوید و این که در خدمت سرکار تهاکر سورج مل که از طبیبان هندوست علم طب آموخته و در زمان نگارش این تذکره در بهرت پور (بهارات پور) به تعلیم اطفال بلنداقبال، مأمور و مشغول بوده است.

عمده شاعرانی که آثارشان در این دفتر آمده، شاعرانی از دوره شاه عالمگیر (اورنگ زیب) تا دوره فردوس آرامگاه (محمدشاه) به بعد هستند. طبق گفته خود حیرت، در سرآغاز این تذکره، نگارش این کتاب در پنج شش ماه انجام شده و نام "*مقالات الشعرا*" بر حروف ابجد دلالت بر تاریخ تألیف تذکره دارد. از اینجا معلوم می‌شود که حیرت، این تذکره را در سی سالگی عمر خویش تألیف کرده است. جالب آن که *مقالات الشعرا*ی حیرت، یک سال زودتر از *مقالات الشعرا*ی غلام علیشیر قانع تتوی (۱۲۰۳-۱۱۴۰ق) تألیف شده است. شاید نوشتن این تذکره، فقط در پنج شش ماه، تلاش شاعر برای نوشته شدن این تذکره و تثبیت آن در سال ۱۱۷۳ هجری بوده است، چرا که عبارت "*مقالات الشعرا*" در حساب ابجد ۱۱۷۳ خواهد بود. با توجه به حجم گسترده *مقالات الشعرا*ی قانع تتوی که تعداد شاعران آن، تقریباً پنج برابر *مقالات الشعرا*ی حیرت است، به نظر می‌رسد قانع تتوی زودتر از حیرت، کار تألیف *مقالات الشعرا*ی خود را آغاز کرده باشد، اگرچه به دلیل حجم کار و

گسترده‌ی شاعران، این اثر یک سال بعد از اثر حیرت به اتمام رسیده است، اما به اعتقاد من، باید فضل تقدم را به مقالات الشعرا قانع تنوی داد.

مقامات الشعرا حیرت، مشحون از اطلاعات تاریخی مربوط به هند دوره میانه است و می‌توان از خلال سطور کتاب، اطلاعات درخور توجهی درباره پادشاهان مغول به دست آورد، به‌ویژه این که تذکره‌نویس، آگاهی خوبی از وقایع سیاسی روزگار معاصر خود دارد. به عنوان مثال، در باب معتمدالملک علوی خان، به مراودت و ارتباطات فرهنگی سیاسی این شاعر با نادرشاه و اورنگ زیب و بهادرشاه پرداخته است. ارائه اطلاعات تاریخی و سیاسی در اکثر سطور مربوط به معرفی شاعران به چشم می‌خورد.

استناد به قول بزرگان ادب هند در معرفی برخی از شاعران نیز در این تذکره به فراوانی یافت می‌شود. این امر به پدید آمدن نوعی نقد ادبی در این تذکره و تذکره‌های مشابه و همدوره منجر شده است. به عنوان مثال درباره میر عبدالغنی آورده است: "شیخ حزین می‌گفت که به سخن فهمی همچو او دیگری دیده نشده است".

ارزش این گفتار، وقتی بیشتر معلوم می‌شود که بدانیم مؤلف، همدوره و معاصر حزین و میرعبدالغنی بوده و با عنایت به سخت‌گیری‌های شیخ حزین که بر سخن و شعر بیشتر شاعران و ادیبان هند ایراد می‌گرفت و در نقد بسیار بی‌پروا بود، می‌توان به قدر و قیمت کلام میرعبدالغنی، بیشتر پی بُرد.

یکی از نکات ارزنده این تذکره، نقل‌های کوتاهی است که گاه حیرت به فراخور حال شاعر نقل کرده است. نقل‌هایی که ممکن است در هیچ کتاب ادبی و تاریخی دیگر نیامده و حاوی نکاتی شنیدنی و تربیتی باشد. به عنوان مثال در ذیل عنوان نواب امیرخان انجام، که از امرایان عظام عهد فردوس‌آرامگاه بوده است و حیرت او را با صفاتی نیک همچون ادافهمی و بذله‌سنجی و لطیفه‌گویی و حاضر جوابی و موسیقی دانی یاد کرده، نقل زیر را نیز منسوب بدو دانسته که بسیار شیرین و توأم با ظرافت و سیاست و کياست و از لحاظ تاریخی بسیار ارزشمند است:

هنگامی که نادرشاه بر هندوستان تسلط داشت، روزی، هر دو پادشاه در دیوان خاص

نشسته بودند که قهوه آوردند. فردوس آرامگاه، امر ساقی گری به نواب امیرخان فرمود، آداب به جا آورد و پیاله پر کرده در دل اندیشید که اگر جام اولین به دست نادر می‌دهم، موجب تحقیر پادشاه خود است، و اگر به دست محمدشاه می‌دهم، شاه، غیور و سفاک است، همین ساعت، حکم به کشتن می‌کند. لختی تأمل کرده، پیاله را به دست محمدشاه داد و گفت که شاه مهمان است، حضرت از دست مبارک خود پیاله اول را تواضع نمایند.

این حرکت او، هر دو پادشاه را پسند افتاد و زبان به تحسین گشودند.^۱

بیشتر شاعرانی که حیرت، شرح حال آنان را در این دفتر آورده است، کسانی هستند که منصب‌هایی چون صوبه‌داری، متصدی‌گری، فوجداری، دبیری و حتی مقامات بالاتری چون مقام نوابی داشته‌اند. بسیاری از شاعران این دفتر، از امرای عهد فردوس آرام‌گاه (محمدشاه) بوده‌اند. از این شمارند نظام الملک آصفجه، نواب امیرخان انجام، اسد یارخان انسان، اسحاق‌خان اسحاق‌تخلص، نواب خاندوران، میمنت خان میمنت و...

حیرت در تذکره خود، گاه از شاعری نام می‌برد که در جنگ با نادر شهید شده است (مثل نواب امیرخان انجام در جنگ کرنال با نادر)، یا از شاعری که همراه نادر به هند آمده (مثل میرزا عبدالباقی طیب اصفهانی).

بسیاری از فرزندان و نوادگان شاعران و شخصیت‌های شهیر که طبع شعر داشته‌اند و معاصر حیرت بوده‌اند، نیز نام‌شان در این تذکره ذکر شده است. به عنوان مثال، میرزا مهدی بیان (همشیره‌زاده ابوطالب کلیم) یا میرزا بدیع (پسر میرزا طاهر نصرآبادی)، سیدرضا تمکین (از اولاد شاه نعمت‌الله ولی)، میرعبدالله ذره (پسر محمدباقر مجلسی)، محمد معصوم وجدان (پسر محمدزمان راسخ)، علی عظیم (پسر ناصرعلی سرهندی) و... را می‌توان نام برد که این اطلاعات در نوشتن تاریخ ادبیات دوره مذکور، بسیار کارآمد و ارزشمند است.

نثر مقالات الشعرای حیرت، نثری پخته، ادیبانه و مسجع و آهنگین است که با رعایت اصول نگارش منشیه روزگار خویش، به‌غایت پاکیزه و قابل فهم می‌باشد. متأسفانه هر چه به روزگار معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، شکوه آن نثر آهنگین و ادیبانه، جای خود را به نثری ساده و رسمی و دستوری و گاه کم‌روح می‌دهد، تا جایی که در تذکره‌های این روزگار، دیگر، کمتر نشانی از آن نثرهای مطمئن و آهنگین ادبی را می‌توان سراغ گرفت. حتی شیوه

انتخاب یک بیت یا دو بیت که بیشتر از شاه بیت‌های یک غزل انتخاب می‌شد، امروز، جای خود را به یک غزل یا مثنوی کامل داده است که گاه در تمام یک شعر نسبتاً بلند، حتی یک شاه بیت قابل اعتنا نیز وجود ندارد.

استفاده از نثر مسجع و موسیقایی در متن این تذکره، شاید بتواند از نقاط مثبت آن به حساب آید. اگرچه بیشتر تذکره‌های این دوره، توسط شاعران و ادیبان و دبیران نوشته می‌شد که در نوشتن نثر مسجع، رتبه و مقام استادی داشتند، چرا که در آن عصر، انشا و رساله‌نگاری نیز به اندازه شعر، اهمیت و خواهان داشت و مورد توجه بود.

پرهیز از ارائه اطلاعات نادرست و غیر تاریخی، در مواردی که تذکره‌نویس، دسترسی به منابع معتبر ندارد، خود، یک حُسن به حساب می‌آید. در باب مرتضی قلی فراق، به این عبارت مختصر از تذکره نویس برمی‌خوریم که نشانگر آن است که حیرت در نگارش این تذکره، به حدس و گمان، بهایی نداده است: "از صاحب‌طبعان عالی است و دیگر حالش به وضوح نیبوسته."

بسیاری از شاعران این دفتر، خود، صاحب تذکره شعر بوده‌اند که حیرت، تنها به برخی از آنان اشاره کرده و برخی انگار در سال‌های بعد، تذکره خود را تکمیل کرده‌اند، از این شمارند: بندرابین داس خوشگو (صاحب سفینه خوشگو)، حاکم لاهوری (صاحب تذکره مردم دیده)، علی‌قلی واله داغستانی (صاحب تذکره ریاض الشعرا)، حزین لاهیجی (صاحب تذکره المعاصرین)، خان آرزو (صاحب تذکره مجمع‌النفایس) میرمحمدتقی میر (صاحب نکات الشعرا) و

از جمله موارد انتقادی در باب این تذکره، می‌توان به این نکته اشاره کرد که تذکره‌نویس مثل دیگر تذکره‌نگاران، رعایت اعتدال را ننموده و از برخی شاعران، ابیات بسیار نقل کرده، اما از بعضی شاعران، تنها به نقل یکی دو جمله و یکی دو بیت اکتفا کرده است. بی‌گمان، شهرت شاعر و میزان مجالست وی با تذکره‌نگار، حرف اول و آخر را در بسیاری از تذکره‌های این عصر زده است.

شاید در بیشتر تذکرها، شرح حال شاعرانی که از ایران به هند رفته‌اند، نوشته شده باشد، اما کمتر به شاعرانی هندی پرداخته شده که به ایران رفته‌اند. در تذکره حیرت، از میرزا لطف‌الله سالم از سادات کشمیر نام برده شده است که به ایران می‌رود و اکثر بلاد ایران را سیر می‌کند.

حیرت، گاه از شاعرانی ایرانی هم عصر که نام و شهرتی در هند به هم رسانده بودند، اما به هند نیامده بودند، نیز نام می‌برد و چند بیت از آنان را در تذکره خود می‌گنجاند. بیشتر از آن جهت که هندیان را با این شاعران نیز کم و بیش آشنا سازد. تقریباً نیمی از شاعران این تذکره، افرادی هستند که نسب ایرانی دارند و بیشتر به شهرهایی چون اصفهان، شیراز، قم، همدان و... منتسب اند. اگرچه بسیاری از این شاعران از مهاجران به هند هستند، اما گاه به شاعرانی برمی‌خوریم که هرگز به هند سفر نکردند، اما حُسن شهرت‌شان، حیرت را وادار به آوردن شعر و شرح حال مختصرشان در این تذکره کرده است. به عنوان مثال درباره میر عبدالله ذره نوشته:

پسر محمدباقر مجلسی، صاحب فطرت و ذکا بوده. آخر شباب به تحصیل پرداخته، در کمتر زمانی، بسیاری از مطالب علمیه را دریافت نموده، هنگام محاصره از اصفهان برآمده در خرم آباد که شهری ست از آن مملکت، رخت سفر به سوی عالم بقا بست.

طبق اعتراف خود حیرت در مقدمه مقالات/الشعرا، یکی از تذکره‌هایی که حیرت بدان نظر داشته و از مطالب آن در تذکره‌اش استفاده کرده ریاض/الشعرا علی قلی خان واله داغستانی است و به نظر می‌رسد بیشتر شاعران بلاد ایران را حیرت به نقل از این تذکره آورده باشد. اگرچه دسترسی به شاعران مهاجر ایرانی نیز می‌تواند از دیگر منابع چنین اطلاعاتی در تذکره حیرت باشد.

از خلال نوشته‌های این تذکره، می‌توان سه گروه از شاعران هندوستان را رصد کرد: شماری که شعر پارسی می‌گویند، و شماری که شعر ریخته (اردو) می‌سرایند (مثل میر تقی میر، خواجه میر درد، میرزا شرف علی فغان و...) و دسته سوم که کمتر بدان اشاره شده، شعر هندی است که عبارت است از «کبت و دُهره» و در شرح حال شاعری به نام میرزا

روشن ضمیر نوشته:

ضمیر مدتی به متصدی‌گری بندر سورت اشتغال داشت و اشعار هندی که عبارت از کبت و دهره باشد خوب می‌گفت.

اما همه این ریخته‌سرایان و کبت و دهره‌سرایان در تذکره حیرت، به خاطر شعر پارسی شان جمع آمده‌اند و این تذکره به زبان فارسی نگاشته شده و جز نمونه اشعار شاعران پارسی‌سرا، از هیچ زبان دیگری در آن، نمونه آورده نشده است.

در تذکره حیرت، بسیاری از شاعران مهاجر از ایران و افغانستان نیز حضور دارند و از برخی اهل ادب که از ترس نادر، یا همراه نادر به هند آمده‌اند، نیز در این دفتر یاد شده است. به نظر می‌رسد که حیرت از مریدان شعر و شخصیت شیخ علی حزین باشد، چرا که در شرح حال و آوردن نمونه اشعار این شاعر، سنگ تمام گذاشته و با القاب و توصیفات نیک و پسندیده از این شاعر هم‌روزگارش یاد می‌کند، برخلاف برخی از شاعران هند که تحمل عظمت و بزرگی حزین را نداشتند و با اندک نقدهای حزین از کوره دررفتند و بنای خصومت را با حزین گذاشتند، تا جایی که حزین شاه جهان آباد (دهلی) را ترک کرد و سرانجام پس از گشت و گذارهای طولانی در هند، در بنارس موطن گزید.

حیرت در زمان نوشتن این تذکره، به زنده بودن حزین و حضورش در بنارس اشاره دارد، اگرچه هجوهای رکیکی که شیخ حزین برای هند و اهل هند گفته، نیز از نگاه حیرت دور نمانده است. همچنین در خصوص پاسخ دادن بعضی از شاعران هند من جمله خان آرزو که کتاب تنبیه الغافلینش در پاسخ حزین نگاشته آمده، توضیحاتی می‌دهد، اما با کمال انصاف می‌نویسد:

شیخ سخندانی بی نظیر و شاعر خوش‌تقریر و ماهر اکثر فنون و عالم بسیاری از علوم است که به اعتقاد جامع اوراق و جمعی از بلندطبعان صاحب انصاف، امروز کسی از ایران و هندوستان به بسیار دانی و زبان آوری وی در عرصه روزگار پیدا نیست.

حیرت در ادامه شرح حال نه چندان کوتاه خویش، بیش از هفتاد بیت از غزلیات خود را

دستچین می‌کند و به عنوان شاهد مثال و دلیل شاعری خویش در تذکره می‌گنجاند. ابیاتی که بیشتر، نمکی از حلاوت و مضمون‌آفرینی دارند، اما آن قدر نیستند که ذوق یک منتقد موشکاف و یک شاعر مضمون‌آفرین را راضی کند.

با عنایت به ذوق و نکته‌سنجی حیرت، می‌توان پی برد که او در انتخاب اشعار از سرایندگان ذوق و هوش و حواس شاعرانه اش را به کار بسته و تذکره‌ای نسبتاً خوب و قابل تأمل ارائه داده است.

حیرت در شرح حال بندر ابن خوشگو، به حرفه او اشاره می‌کند که بقال بوده و مدتی در بنارس و عظیم آباد (پتنا) معاش کرده و تذکره‌الشعرايي هم تالیف نموده (سفینه خوشگو). ضمن آن که شاگرد میرزا بیدل و محمدافضل سرخوش (صاحب کلمات/الشعر) و سعدالله گلشن و خان آرزو بوده است.

در این تذکره، گاه با شرح حال شاعران مهاجری از ایران مواجه می‌شویم که نمونه اشعار و شرح زندگیشان بر ما پوشیده است. به عنوان مثال احمدعلی خان ایمن را می‌توان نام برد که حیرت در شرح احوالش چنین می‌نویسد:

مولدش قم که شهری است از شهرهای مملکت ایران و از اقربای برهان‌الملک خان بوده، در عهد سلطنت اورنگ زیب عالم‌گیر، به هندوستان ورود نموده، به منصب سرافرازی یافت و در زمان فردوس آرامگاه در جنگ نادرشاه که به کرنال واقع شده بود، به شهادت رسید.

یا درباره معزز خان افسر می‌نویسد:

نامش محمدعلی بیگ بوده و موطنش ایران. ابتدای سلطنت فرخ‌سیر در رفاقت تقرب خان خانسامان به سر می‌برد و آخر به وسیله‌اش به صومعه‌داری بنگاله سرافرازی یافته بود.

حیرت در نوشتن تذکره‌اش، گاه نسبت به برخی حوادث روزگارش موضع‌گیری‌هایی هم دارد. مثلاً در شرح حال میرزا محمد امین ازل که وفاتش در ایام یورش افغانه از قندهار به اصفهان واقع شده بود، متصرفان اصفهان را با لقب "جماعه خونخوار" نام می‌برد.

درباره شاعری به نام شاه فاتح که از صوفیان بوده اشاره به کشته شدنش به دست دزدان در مسیر زیارت بیت الله می‌کند.

به شرح احوال و نمونه اشعار تعدادی از شاعران پارسی‌سرای هندو، مثل سنگهم لال عزت، آندرام مخلص، جی کشن عزت، رائی تن سکه رائی، بندرابن داس خوشگو، شیو رائی داس حیا و... نیز در این تذکره به اختصار اشاره شده است.

تذکره مقالات الشعراى حیرت در بیدل‌شناسی نیز مؤثر است؛ اگرچه حیرت اکبرآبادی، ده سال بعد از فوت بیدل متولد شده است، اما در دوره تذکره‌نگاری و شاعری او، هنوز، تأثیر زبان بیدل و نام و شعر بیدل حرف نخست را می‌زده است و از این رو حیرت، بدون آوردن شرح حال و نمونه اشعار بیدل، که چندان هم همعصر او نبوده، به فراوانی از شاگردان بیدل یاد کرده است و در شرح حالشان به این مهم اشاره کرده و اشعار آنان را نیز آورده است، شاعرانی چون معنی‌یاب خان، محمد پناه قابل و عصمت الله کامل، بندرابن خوشگو، سعدالله گلشن، محمد احسن سامع و...

علاوه بر بیدل، شماری از شاعران این دفتر، از شاگردان برخی از بزرگان همعصر حیرت بوده‌اند. به عنوان مثال، از شاگردان میرزا عبدالغنی بیگ قبول می‌توان به نورالله بیگ نزهت اشاره کرد. از شاگردان خان آرزو، میر محمدتقی میر را که همشیرزاده خان آرزو و از مشهورترین ریخته‌سرایان هند بوده است، می‌توان برشمرد. از شاگردان شاه آفرین لاهوری، می‌توان به حکیم بیگ خان حاکم اشاره کرد. حیرت در تذکره خود، از شاگردان حزین لاهیجی به آیت‌الله ثنا و از شاگردان میرزا جان جانان مظهر، به محمدفقیه دردمند، اشاره می‌کند.

اگرچه پرداختن به بعضی از شاعران بزرگ قرن دوازدهم شبه قاره، می‌تواند برای یک تذکره، حُسن باشد، اما اهمیت برخی از تذکره‌ها در پرداختن به شاعرانی است که ممکن است که نام و نشانی آن‌ها در تذکره‌های دیگر دیده نشوند. از این رو، بیشتر شاعرانی که حیرت در تذکره مقالات الشعرا به آنان پرداخته، شاعرانی بالنسبه گمنام‌اند

و شمار نامبرداران، شاید به سی چهل نفر هم نرسد.

تذکره مقالات الشعرا از جنبه‌های مختلف سبک‌شناسی و نقد ادبی نیز قابل توجه است. نقد مؤلف درباره شعر شاعرانی که احوال آنان در تذکره‌های دیگر موجود نیست، حائز اهمیت است. از جمله عناصر نقد شعر فارسی که در این تذکره دیده می‌شود و دکتر نجم‌الرشید، آن‌ها را بررسی کرده است، عبارت است از: نقد زبان (فصاحت و بلاغت)، موسیقی، واژگان، زمینه‌های معنایی، نقد بلاغی (تصویرسازی و تخیل و صنایع لفظی و زینت‌های کلامی)، صورت و قالب شعر، نقد از طریق مقایسه شاعران (تتبع و استقبال و توارد)^۱.

اگرچه این تذکره، از نظر ضخامت و زندگینامه شاعران، در میان تذکره‌های فارسی سده دوازدهم هجری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست، اما مؤلف به انواع نقد شعر فارسی به اختصار پرداخته و در اغلب موارد، اشاره‌های کلی دارد. در حوزه نقد زبان، توجه وی بیشتر به عنصر «فصاحت و بلاغت» بوده است. وی در این زمینه در اغلب نمونه‌ها به عبارت‌پردازی پرداخته است. اشاره به موسیقی و واژگان بسیار اندک است. وی در ذیل هفت شاعر، به عنصر «فصاحت و بلاغت» و در ضمن معرفی احوال دو سخنگو، به عناصر «موسیقی» و «واژگان» توجه داشته است.

در زمینه‌های معنایی، مؤلف در ذیل معرفی زندگینامه چهار شاعر، به عنصر «معنی» اشاره‌های کلی دارد. در معرفی احوال یک شاعر، به عنصر عرفان پرداخته است، اما هیچ نمونه‌ای از انواع دیگر معنی و مضمون، مانند فلسفه، اخلاق و جز آن در این دیده نمی‌شود و همچنین به عنصر عاطفه نیز اشاره‌ای نرفته است.

قیام‌الدین حیرت در نقد شعر شاعران، به عناصر بلاغی نیز اشاره‌هایی دارد و از جمله آن‌ها می‌توان «تصویرسازی و تخیل» و «صنایع لفظی و زینت‌های کلامی» را نام برد. وی به عنصر خیال، اشاره‌های کلی دارد و در ذیل معرفی احوال چهار شاعر، این نوع نقد را می‌توان یافت. نمونه‌هایی از انواع خیال، مانند تشبیه، استعاره، کنایه و جز آن در این کتاب

۱. ر.ک: «اشارات نقد ادبی در تذکره مقالات الشعرا»: نجم‌الرشید ← مقاله پیش گفته، ص ۱۴۲.

نیامده است و همچنین از صنایع لفظی و زینت‌های کلامی، تنها به عنصر ایهام توجه شده است و اشاره‌ای به عناصر دیگر آن، مانند مراعات نظیر، تضاد، حسن تعلیل و جز آن به چشم نمی‌خورد.

در زمینه صورت و قالب‌های شعری، رباعی، مثنوی و غزل شاعران مورد توجه قرار گرفته است. مؤلف به آن‌ها اشاره‌های کلی دارد و براساس ذوق خود، آن‌ها را بررسی کرده است. دو نمونه از مثنوی و نمونه‌ای از غزل و نمونه‌ای از رباعی در این اثر آمده است. مؤلف، گاهی در ضمن معرفی و بررسی اشعار شاعران، به تتبع و توارد نیز توجه دارد. نمونه‌هایی از نقد ذوقی را نیز در این اثر می‌توان یافت. مؤلف در ذیل معرفی احوال اغلب شاعران، درباره شعر آنان، با عبارت ساده و روان اظهارنظر کرده است، اما گاهی به عبارت‌پردازی نیز پرداخته است.^۱

مقالات الشعرا در سال ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م به کوشش نثار احمد فاروقی، در دهلی منتشر شده است، و اکنون کمیاب است.

ما به منظور استفاده بیشتر محققان از این تذکره مفید، به بازخوانی آن بر اساس نسخه خطی شماره ۲۴۱۲ کتابخانه رضا (رامپور) پرداختیم.^۲

این نسخه به سال ۱۲۲۸ ق، به خط نستعلیق هندی امام‌الدین در ۸۲ برگ کتابت شده است. نسخه‌ای دیگر از این نسخه، به شماره ۳۱ در کتابخانه پادشاهان اود محفوظ بوده که به خط یکی از شاگردان حیرت در ۱۲۴ برگ کتابت شده است.^۳

در چاپ حاضر، افتادگی‌ها، نواقص و غلط‌خوانی‌های نسخه چاپی دهلی رفع شده و نمایه‌هایی فراهم آمده است تا استفاده از متن تذکره، آسان‌تر شود.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم که از زحمات جناب آقای بهروز ایمانی، پژوهشگر ارزشمند و دوست سال‌های دیر و دورم که همواره راهنمایی‌های ایشان در متن پژوهی،

۱. مقاله پیشگفته، صص ۱۵۳-۱۵۴.

۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه رضا، رامپور، ج ۲، ص ۹.

3. *Catalogue Arabic Persian and Hindustany Manuscripts of the Libraries of the King of Oude*, p. 152.

قابل اعتنا و اعتماد بوده است، سپاسگزار باشم. نیز از دست‌اندرکاران حوزه نشر و رئیس
فرهیخته کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، جناب آقای حجت الاسلام
والمسلمین سید علی عماد نیز، نهایت سپاس و تشکر را دارم.

بمنه و کرمه علی‌رضا قزوه

تهران - ۱۳۹۶